

The role of corporate governance mechanism on the relationship between the quality of internal information and the efficiency of resource allocation

Zohreh Arefmanesh¹, Elahe Sadat Mirjalili², mehdi nazemi ardakani³, Tayebe Zare Zardini⁴

1. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Accounting, Yazd University, Yazd. Iran.
2. Master of accounting, Yazd university, Yazd. Iran
3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Accounting, Yazd University, Yazd. Iran.
4. PhD student of accounting at AL Zahra university, Tehran , Iran.

ABSTRACT

Received: 22/04/2022 - Accepted: 04/12/2022

Optimal resource allocation is very important for shareholders and investors in listed companies. Given the importance of this issue, this paper examines the relationship between Internal accounting information quality and efficiency of resource allocation and too study effected Governance efficiency on relation between Internal information quality and efficiency of resource allocation. To measure the quality of internal information, three criteria of Earnings announcement speed, Earnings forecast accuracy, non-restatement due to error have been used. Also, to measure the efficiency of resource allocation, two criteria of correlation between the growth rate of operating profit of the company and industry and the correlation of sales growth rate of the company with industry have been used. To measure the corporate governance mechanism, the criteria of concentration of ownership, independence of board members, duality of CEO duties, number of board members, percentage of institutional ownership, CEO membership in the board have been used. This research is practical from the point of view of purpose and in terms of quasi-experimental and post-event execution method, in the field of positive accounting research and in the framework of deductive-inductive reasoning. Using the systematic elimination sampling method, 103 firms during the period of 2013 to 2020 were selected as the research sample The structural equation model was used to test the hypotheses. The results show that Internal information quality has significant impact on the efficiency of resource allocation and the Governance has the role of moderator on the relationship between Internal accounting information quality and efficiency of resource allocation. In the other words high quality Internal accounting information leads to increased investment productivity; and too findings indicate the moderating role for Governance in the relationship between Internal accounting information quality and Capital investment choice. Therefor strengthening corporate governance and Improving the quality of internal accounting information enhances the usefulness of information for decision-making by investors, creditors and other stakeholders. It also leads to optimal investment.

Keywords: Internal accounting information quality, efficiency of resource allocation, Corporate Governance.

نقش سازوکار راهبردی شرکتی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری شرکت و کارایی تخصیص منابع

زهرة عارف منش^۱، الهه سادات میرجلیلی^۲، مهدی ناظمی اردکانی^۳، طیبه زارع زردینی^۴

۱. استادیار حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، ایران.
۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، ایران.
۳. استادیار حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، ایران.
۴. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران ایران.

چکیده

تخصیص بهینه منابع برای سرمایه‌گذاران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، بسیار حایز اهمیت است. با توجه به اهمیت این موضوع، در این پژوهش تأثیر کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری بر کارایی تخصیص منابع و همچنین نقش تعدیل‌کننده برای سازوکار راهبردی شرکتی در رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع بررسی شده است. برای سنجش کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری از سه معیار «سرعت اعلام سود»، «صحت پیش‌بینی سود» و «عدم تجدید ارائه به‌خاطر اشتباه» و همچنین برای سنجش کارایی تخصیص منابع از دو معیار «همبستگی بین نرخ رشد سود عملیاتی شرکت» و «صنعت و همبستگی نرخ رشد فروش شرکت با صنعت» و برای اندازه‌گیری سازوکار راهبردی شرکتی از معیارهای «تمرکز مالکیت»، «استقلال اعضای هیئت مدیره»، «دوگانگی وظیفه مدیرعامل»، «تعداد اعضای هیئت مدیره»، «درصد مالکیت نهادی» و «عضویت مدیرعامل در هیئت مدیره» استفاده شده است. این پژوهش از دیدگاه هدف، کاربردی و از لحاظ شیوه اجرا، شبه‌تجربی و پس‌رویدادی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری و در چارچوب استدلال قیاسی - استقرایی انجام شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک، اطلاعات ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ بررسی شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاضر مؤید رابطه مثبت و معنادار بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع است. به عبارتی، اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا منجر به افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین، یافته‌ها نشان‌دهنده نقش تعدیلگر سازوکار راهبردی شرکتی در رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع است. بنابراین، تقویت سازوکار راهبردی شرکتی و بهبود کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری باعث ارتقای سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان شده و به سرمایه‌گذاری بهینه منجر می‌شود.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

کلیدواژه‌ها: کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری، کارایی تخصیص منابع، سازوکار راهبردی شرکتی.

طبقه‌بندی موضوعی: G34, M41

۱. مقدمه

سرمایه‌گذاری مؤثر یکی از عوامل مهم در پیشرفت اقتصادی است. از این رو، کشورها برای حل مشکلات اقتصادی خود باید به دنبال روش‌های مناسب برای استفاده بهینه از منابع خود باشند. یکی از عوامل مهم برای حل مشکلات اقتصادی، رشد و توسعه سرمایه‌گذاری است (جنسن^۱، ۱۹۸۶). جدایی مالکیت از مدیریت و نبود تقارن اطلاعاتی و خطر اخلاقی ناشی از آن، مالکان را نگران می‌سازد مبادا مدیریت که بر دارایی‌های آن‌ها کنترل دارد، به تخصیص نامناسب منابع پردازد. کارایی تخصیص منابع عبارت است از اینکه سرمایه‌گذاران و کلیه افراد بتوانند تشخیص دهند سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌ها تنها در راستای حوزه فعالیت شرکت یا صنعتی که شرکت در آن است، صرف می‌شود (ژای و وانگ، ۲۰۱۶).

شاید بتوان ادعا کرد با ایجاد اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی می‌توان به تخصیص بهینه منابع کمک کرد، زیرا هدف اصلی اطلاعات حسابداری، کمک به استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه است. کیفیت بالاتر اطلاعات داخلی با تهیه اطلاعات به موقع درباره شرایط مالی شرکت و حذف موانع بین چرخه‌های حسابداری، تصمیم‌گیری مدیر را بهبود می‌بخشد (بریزل و دنگ، ۲۰۰۸). اطلاعات حسابداری با کیفیت باعث می‌شود مدیریت به‌طور کارا و اثربخش پروژه‌های سرمایه‌گذاری را انتخاب کند و در نهایت سبب تخصیص بهینه سرمایه و رسیدن به بازده بالاتری می‌شود (باشمن و اسمیت، ۲۰۰۳). هرچه کیفیت اطلاعات حسابداری بهتر باشد، سرمایه‌گذاران در تشخیص سرمایه‌گذاری ناکارآمد موفق‌ترند. در نتیجه، سرمایه‌گذاران با آوردن فشار بر هیئت‌مدیره برای تمرکز بر فعالیت اصلی شرکت و ارزش‌گذاری بالقوه قیمت سهام، سبب بهبود کارایی تخصیص منابع می‌گردند (نادری و همکاران، ۱۳۹۷). اقلیت سهامداران هم که قادر نیستند مستقیم

مدیریت را تحت تأثیر قرار دهند، تنها می‌توانند با حق رأی خود، بر قیمت سهام تأثیر بگذارند. سرمایه‌گذاران نهادی (و دیگر سرمایه‌گذاران استراتژیک) هنگامی که فعالیت‌های مدیریت، منافع سهامداران را هدف قرار نمی‌دهد، می‌توانند با شرکت در جلسات سهامداران و رأی به تغییرات هیئت مدیره، اعضای هیئت مدیره را تغییر دهند. اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا بدین‌گونه به سهامداران نهادی اطلاع‌رسانی می‌کند تا بر این اساس بر انتخاب سرمایه تأثیرگذار باشند (ژای و وانگ، ۲۰۱۶). راهبري شرکتي به عنوان یک مکانیزم کنترلي، سبب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود و با کاهش تضاد بین مالکان و مدیران، مشکلات نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. اصول راهبري شرکتي با تاکید بر لزوم پاسخگویی و شفافیت و کیفیت اطلاعات، منجر به استفاده منابع در جهت عملیات اصلی شرکت و تخصیص بهینه منابع و در نتیجه رشد و بهبود عملکرد شرکت می‌شود. لذا، هدف از این پژوهش، یافتن رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع است. بررسی نقش تعدیل‌کننده سازوکار راهبري شرکتي بر رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع، از دیگر هدف‌های این پژوهش است.

تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و تصمیمات سرمایه‌گذاری انجام شده است (از جمله: صفری و رعنائی، ۱۳۹۶؛ امیرعالی‌زاده، ۱۳۹۵؛ ایزی و محمدی، ۱۳۹۳؛ مدرس و حصارزاده، ۱۳۸۷؛ ژای و وانگ، ۲۰۱۶؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹ و ۲۰۰۶؛ وردی، ۲۰۰۶). همچنین تحقیقات بسیاری درباره کیفیت اطلاعات حسابداری و سازوکارهای راهبري شرکتي انجام شده است (عالی‌زاده، ۱۳۹۵؛ افشارزاده، ۱۳۹۱؛ بالایی و ایزدی‌نیا، ۱۳۹۴؛ فونگ و شین، ۲۰۱۲؛ چن و همکاران، ۲۰۰۷؛ بلتون و همکاران، ۱۹۹۸). اما، بر اساس بررسی‌های نگارنده، درباره رابطه کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری بر کارایی تخصیص منابع و همچنین تأثیر سازوکار راهبري شرکتي بر رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع،

مطالعات اندکی انجام شده است. بنابراین، انجام این پژوهش شکاف تحقیقاتی در این حوزه را کاهش می‌دهد و به بهبود غنای ادبیات پژوهش در این حوزه کمک خواهد کرد. نتایج این پژوهش می‌تواند مورد استفاده سرمایه‌گذاران و سایر فعالان بازار سرمایه، قانون‌گذاران و مدیران شرکت‌ها قرار گیرد و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آن‌ها مفید واقع شود.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کیفیت اطلاعات حسابداری

بارث^۱ و اسچیپر^۲ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که کیفیت اطلاعات، حدودی است که گزارش‌های مالی، امور اساسی اقتصادی یک واحد تجاری را آشکار می‌سازد به گونه‌ای که برای استفاده‌کنندگان از آن گزارش‌ها به آسانی قابل درک و فهم باشد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری از سه معیار «سرعت اعلام سود»، «صحت پیش‌بینی سود» و «عدم تجدید آرائه به خاطر اشتباه» استفاده شده است. در ادامه، این معیارها شرح داده می‌شود:

سرعت اعلام سود

جیننگز و همکاران^۳ (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که سیستم‌های حسابداری با کیفیت بالا، توانایی این را دارند که اطلاعات را به سرعت از قسمت‌های مختلف سازمان به دست آورند و آن‌ها را با هم یکپارچه کنند و منجر به افزایش سرعت بستن حساب‌ها در پایان سال مالی شوند. همچنین، با حذف انجام کارها به صورت دستی، منجر به افزایش دقت، کاهش تکرار اطلاعات و دوباره‌کاری در قسمت‌های مختلف سازمان برای گزارشگری می‌شوند.

1. Barth
2. Schipper
3. Jennings et al

صحت پيش بينی سود

ويليامز^۱ (۱۹۹۶)، نشان داد مديران انگيزه هايی برای پيش بينی دقيق سود دارند. دورانتس و همکاران^۲ (۲۰۱۳)؛ گراهام و همکاران^۳ (۲۰۰۵)، بيان می کنند که پيش بينی مدیریت نشان دهنده یک سازوکار افشای داوطلبانه است که مديران به وسيله آن، مشکل عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می دهند و می توانند از اين طريق اعتبار شرکت برای گزارشگری شفاف و قابل اطمینان را بهبود بخشند. از طرفی، پيش بينی های مدیریت مبتنی بر اطلاعات حسابداری و غيرحسابداری فراهم شده از سیستم های داخلی شرکت است. بنابراین، انتشار و کيفيت پيش بينی های مدیریت به طور مستقیم به کيفيت اطلاعات داخلی حسابداری شرکت بستگی دارد. به کارگیری اين متغیر برای سنجش کيفيت اطلاعات داخلی حسابداری، اين امکان را فراهم می آورد که بتوان نتایج سیستم های اطلاعاتی شرکت را به طور مشخص اندازه گیری کرد. دورانتس و همکاران نشان دادند دقت پيش بينی شرکت هایی که در سیستم های اطلاعاتی خود بهبودی ایجاد کردند، افزایش یافته است. گانگ و همکاران^۴ (۲۰۰۹) نشان دادند خطاهای عمومی در ارقام تعهدی و پيش بينی های مدیریت، به ارائه نادرست اطلاعات داخلی قابل دسترس مديران منجر شده است.

عدم تجديد ارائه بخاطر اشتباه^۵

بر اساس چارچوب نظري استانداردهای حسابداری ايران، در صورتی که اطلاعات حسابداری عاری از اشتباه باشد، قابل اتکاست. یکی از مؤلفه های ویژگی های کيفي اطلاعات حسابداری، قابل اتکا بودن است. بنابراین، یکی از مؤلفه های کيفيت اطلاعات حسابداری، عدم تجديد ارائه به خاطر اشتباه است.

1. Williams
2. Dorantes et al
3. Graham et al
4. Gong et al
5. No Error Restatement

رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع

اگرچه بیشتر اندیشمندان اقتصادی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از عوامل مؤثر بر رشد و توسعه پایدار اقتصادی، سرمایه‌گذاری مؤثر است، می‌دانیم که سرمایه‌گذاری یک واحد تجاری، با توجه به محدودیت در منابع و کارآمد بودن آن صورت می‌گیرد. چنان‌که عنوان شد، مسئله اصلی، انتخاب پروژه‌ها و تصمیم‌گیری درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری توسط مدیران واحدهای تجاری است که بر اساس منافع شخصی خود صورت می‌گیرد. کفایت نداشتن در سرمایه‌گذاری، ریشه در نظریه‌های نمایندگی و اقتصاد اطلاعات دارد. به عبارت دیگر، نبود تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع، مانع انجام یک سرمایه‌گذاری بهینه می‌شود. یکی از راه‌های گریز از این مسئله، بهره‌گیری از اطلاعات حسابداری با کیفیت است. اطلاعات حسابداری با ایجاد اثر متقابل بین سیستم حسابداری داخلی شرکت‌ها و سیستم گزارشگری خارجی، بر وضعیت مالی و عملکرد تجاری اشاره دارد و نقش فراوانی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد نماینده - مدیر، ایفا می‌نماید (یوانگ و جیانگ، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش بیدل و همکاران (۲۰۰۹) و مک نیکولز و استابن^۱ (۲۰۰۸) نیز نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین کیفیت اطلاعات حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری است. استدلال آن‌ها بر این مبناست که کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر، منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران می‌شود و یک عامل محدودکننده برای رفتار فرصت‌طلبانه مدیران است. بنابراین، تخصیص بهینه منابع در بازارهای سرمایه، مستلزم آن است که سود حسابداری گزارش شده به این بازارها از کیفیت مناسبی برخوردار باشد، زیرا سرمایه‌گذاران خرد و کلان و تحلیلگران هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری و یا ارزشیابی سهام شرکت، بر برخوردار بودن سود حسابداری از کیفیت مناسب اتکا می‌کنند. سود به عنوان شاخصی از عملکرد و برای قیمت‌گذاری سهام، ارزیابی بازده مورد انتظار و پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت، مورد استفاده فعالان بازار سرمایه قرار

می‌گیرد (کامیابی و حسینی، ۱۳۹۴).

بهبود کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری موجب ارتقای سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان می‌شود و نبود اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری، به کاهش توان رقابتی شرکت در صنعت و کاهش رشد شرکت در بازارهای مختلف آن صنعت منجر می‌شود (نادری و همکاران، ۱۳۹۷). هرچه کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر باشد، مسئله سرمایه‌گذاری بیش از حد، کمتر به وجود می‌آید زیرا ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند توان رقابت شرکت در صنعت را افزایش دهد و با رشد صنعت، شرکت از فرصت‌های به وجود آمده، استفاده کند (ژای و وانگ، ۲۰۱۶). کیفیت اطلاعات حسابداری اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را افزایش می‌دهد و شرکت هم جهت با صنعت می‌تواند سهم خود را در بازارهای مختلف - از جمله بازار کالا و بازار سرمایه - حفظ کند و رشدی هم جهت با صنعت به دست آورد. اطلاعات حسابداری با کیفیت، باعث می‌شود سرمایه‌گذاران در ارزش‌گذاری دارایی‌ها و تصمیمات سرمایه‌گذاری موفق‌تر باشند و زیان‌های ناشی از ارزش‌گذاری یا تصمیم‌های غلط، کاهش می‌یابد (یوانگ و جیانگ^۱، ۲۰۰۸). در نتیجه، قدم اول برای داشتن تصمیم مناسب برای تخصیص بهینه منابع، داشتن اطلاعات باکیفیت و به موقع است.

نقش تعدیل‌کننده راهبري شرکتي بر رابطه بين کيفيت اطلاعات حسابداری و کارایی تخصیص منابع

اطلاعات حسابداری دارای دو عملکرد اساسی قیمت‌گذاری و راهبري شرکتي است و با این دو عملکرد می‌توانند بر تخصیص بهینه منابع اثر بگذارند. با عملکرد قیمت‌گذاری به طور غیرمستقیم و با عملکرد راهبري به طور مستقیم بر تخصیص منابع اثر می‌گذارد. عملکرد قیمت‌گذاری اطلاعات حسابداری از طریق تأثیر بر هزینه‌های سرمایه و قیمت سهام انجام می‌شود. اطلاعات باکیفیت بالا می‌تواند سبب کاهش عدم تقارن اطلاعات و کاهش هزینه سرمایه‌تأمین مالی برون‌سازمانی شود (۲۱؛ ۱۴؛ زنگ و

لو^۱، (۲۰۰۶). کیفیت بالاتر و شفاف‌تر اطلاعات حسابداری اجازه می‌دهد که فرصت‌های رشد در قیمت سهام گنجانده و در نتیجه برای سرمایه‌گذاران جدید جذاب شوند. عملکرد راهبری شرکتی به وسیله کاهش عدم تقارن اطلاعات گذشته میان اشخاص ذینفع در یک قرارداد عمل می‌کند. اطلاعات حسابداری می‌تواند عیوب قرارداد را کاهش داده و بر رفتار فرصت طلبانه مدیریت نظارت کند. در این حالت، اطلاعات حسابداری خدمات راهبری شرکتی را ارائه می‌دهد. درباره تأمین سرمایه برون‌سازمانی، عملکرد راهبری شرکتی اطلاعات حسابداری، به شرکت‌ها برای اخذ تصمیمات منطقی جهت تمرکز بر فعالیت اصلی خودشان و تخصیص بهینه و کاراتر سرمایه، کمک می‌کند (ژای و وانگ، ۲۰۱۶).

پیشینه تجربی پژوهش

جانگ و کیا^۲ (۲۰۲۲) تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر تخصیص منابع در بازار سرمایه داخلی و چگونگی تأثیر کارایی تخصیص سرمایه بر تصمیم‌گیری استراتژیک را بررسی کردند. نتایج نشان داد، وقتی سطح جریان نقد آزاد بالا باشد، سازوکار انگیزشی حاکمیت شرکتی، امکان تنوع را افزایش می‌دهد. هرچه کیفیت اطلاعات کنترل داخلی پایین‌تر باشد، شرکت‌ها بیشتر به دنبال تنوع هستند. بهبود کیفیت کنترل داخلی، به مدیریت کمک می‌کند تا منابع داخلی را به طور معقول تخصیص دهد. هنگامی که کارایی تخصیص سرمایه بالا باشد، می‌تواند به طور مؤثری از تنوع جلوگیری کند.

چو (۲۰۲۱) نقش حسابداری تعهدی در بهبود تصمیمات تولید و تخصیص بهینه منابع را بررسی کرد. نتایج نشان داد استفاده از اطلاعات حسابداری تعهدی در مقایسه با اطلاعات حسابداری نقدی، به ۵٪ درصد بهبود تصمیمات تولید و ۷٪ درصد بهبود در تخصیص بهینه منابع کمک می‌کند.

گوين و همکاران (۲۰۲۱) رابطه بين راهبري شرکتي و سرعت تعديل ساختار سرمايه در ويتنام را بررسي کردند. نتايج نشان داد اندازه و استقلال هيئت مديره، تنوع جنسيتي و مالکيت مديريت، بر سرعت تعديل ساختار سرمايه تأثير مثبت و معناداري دارد، اما دوگانگي وظيفه هيئت مديره، تأثير منفي و معناداري بر سرعت تعديل ساختار سرمايه دارد.

فوملافاتراچاکوم (۲۰۲۰) تأثير سيستم هاي کنترل حسابداري بر کيفيت اطلاعات حسابداري، ايجاد ارزش و موفقيت شرکتي در تایلند و نيز نقش ميانجی کيفيت اطلاعات حسابداري و ايجاد ارزش را بررسي کردند. نتايج نشان داد سيستم هاي کنترلي تأثير مثبت و معناداري بر کيفيت اطلاعات حسابداري و ارزش شرکتي دارد. همچنين، کيفيت اطلاعات حسابداري تأثير مثبت و معناداري بر ايجاد ارزش و موفقيت شرکتي دارد. ايجاد ارزش نيز تأثير مثبتی بر موفقيت شرکتي دارد. بنا بر اين، نتايج نشان داد سيستم هاي کنترلي و کيفيت اطلاعات حسابداري برای ايجاد مزيت رقابتي و موفقيت شرکتي در بلندمدت، امري حياتي است.

الود و همکاران (۲۰۱۷) تأثير کيفيت اطلاعات حسابداري بر کارايي سرمايه گذاري با وجود حسابرس متخصص صنعت را بررسي کردند. نتايج نشان داد کيفيت اطلاعات حسابداري به کاهش سرمايه گذاري بيش از حد کمک مي کند. همچنين، وجود حسابرس متخصص تاحد زيادي باعث بهبود کارايي سرمايه گذاري مي شود و در عين حال، سرمايه گذاري بيش از حد را کاهش مي دهد.

ژاي و وانگ (۲۰۱۶) در پژوهشي، تأثير راهبري شرکتي و کيفيت اطلاعات حسابداري بر انتخاب سرمايه گذاري را در بازه زماني ۱۰ ساله بررسي کردند. نتايج تجربي نشان داد هرچه کيفيت اطلاعات مالي بالاتر باشد، همبستگي بين رشد سود عملياتي شرکتي و صنعت، قوي تر است. علاوه بر اين، رابطه بين کيفيت اطلاعات مالي و انتخاب سرمايه گذاري در شرايطي که راهبري شرکتي ضعيف باشد، واضح تر مي شود.

وانگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری و همچنین ارزیابی اثر متقابل بین گزارشگری مالی و جریان نقد آزاد بر کارایی سرمایه‌گذاری را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که کیفیت گزارشگری مالی با بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری دارای رابطه معکوس و معنادار است. همچنین، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد کیفیت گزارشگری مالی برای شرکت‌های با جریان نقد بزرگ، دارای ارتباط قوی‌تری با بیش سرمایه‌گذاری است.

دهقان و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر کیفیت پیش‌بینی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری را با در نظر گرفتن نقش تعدیلگری ساختار مالکیت، بررسی کردند. نتایج بیانگر این بود که دقت پیش‌بینی سود، تأثیر مثبت و معناداری بر کارایی سرمایه‌گذاری دارد. به علاوه، مالکیت نهادی، تأثیر دقت پیش‌بینی سود بر کارایی سرمایه‌گذاری را تعدیل نمی‌کند؛ اما تمرکز مالکیت، تأثیر دقت پیش‌بینی سود بر کارایی سرمایه‌گذاری را تعدیل می‌کند.

آرین پور و مرادی (۱۴۰۰) تأثیر ساختار مالکیت، ویژگی‌های هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۱ بررسی کردند. یافته‌های تجربی حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهند مالکیت نهادی، تخصص در صنعت، استقلال و تلاش هیئت‌مدیره همچنین استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معکوس دارد. به علاوه، تأثیر تلاش کمیته حسابرسی بر مدیریت سود، مستقیم است. نتایج تحقیق حاضر بر نقش مالکان نهادی، هیئت‌مدیره، کمیته حسابرسی مستقل و تخصص این کمیته بر مدیریت سود و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت شرکت را تأکید می‌کند. نتایج مطالعه می‌تواند در پذیرش نقش شرکت‌ها در تأثیر آن‌ها بر جامعه و افراد آن توسط مدیران و تصمیم‌گیرندگان ارشد، مفید باشد. این مطالعه گامی در جهت توضیح یافته‌ها، غنی‌سازی ادبیات مربوط و ارائه گزینه‌های تحقیقاتی آتی در سایر کشورها ارائه می‌کند.

حسینی و جلائی (۱۴۰۰) تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و

ناکارايي سرمايه‌گذاري را بررسي کردند. نتايج پژوهش نشان داد بين اجتناب مالياتي و ناکارايي سرمايه‌گذاري شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداري وجود دارد. همچنين، نتايج نشان داد کيفيت حسابرسي بر رابطه بين اجتناب مالياتي و ناکارايي سرمايه‌گذاري تأثير منفي و معنادار دارد.

حمزه نيك‌نيافرد و همکاران (۱۳۹۹) تأثير کيفيت اطلاعات حسابداري و کيفيت افشا بر ميزان به‌کارگيري منابع مالي در فعاليت‌هاي تجاري اصلي را بررسي کردند. نتايج نشان داد با افزايش کيفيت اطلاعات حسابداري و کيفيت افشا، ميزان به‌کارگيري منابع مالي در فعاليت تجاري اصلي شرکت‌ها، افزايش مي‌يابد. همچنين، يافته‌ها بيان مي‌کنند در مقايسه با کيفيت افشا، کيفيت اطلاعات حسابداري تأثير قوي تري بر معيار به‌کارگيري منابع مالي در فعاليت‌هاي تجاري اصلي واحد تجاري دارد.

باقرزادگان و همکاران (۱۳۹۸) تأثير راهبري شرکتي و کيفيت اطلاعات مالي بر سرمايه‌گذاري در عمليات اصلي شرکت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسي کردند. نتايج تحقيق نشان مي‌دهد، بين شاخص جامع کيفيت سود که متشکل از چهار متغير (کيفيت اقليم تعهدي، پايداري سود، قابليت پيش بيني سود، هموارسازي سود) است و ميزان سرمايه‌گذاري در عمليات اصلي شرکت، رابطه مثبت و معناداري وجود دارد.

حساس يگانه و حسني القار (۱۳۹۸) تأثير کيفيت گزارشگري مالي بر رابطه بين بيش اطميناني‌ت مديریت و کارايي سرمايه‌گذاري در شرکت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسي کردند. نتايج پژوهش نشان مي‌دهد بيش اطميناني‌ت مديریت، به کاهش کارايي سرمايه‌گذاري منجر مي‌شود و کيفيت گزارشگري مالي، رابطه بين بيش اطميناني‌ت مديریت و کارايي سرمايه‌گذاري را تضعيف مي‌کند.

نادري و همکاران (۱۳۹۷) تأثير سازوکار راهبري شرکتي بر رابطه بين کيفيت اطلاعات حسابداري و همبستگي نرخ رشد شرکت با صنعت در شرکت‌هاي

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج حاصل نشان می‌دهد در شرایط اقتصادی ای که سازوکار راهبری شرکتی ضعیف است، نقش کیفیت اطلاعات حسابداری در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران پررنگ‌تر می‌شود و همبستگی نرخ رشد شرکت با صنعت را بهتر تبیین می‌کند. ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری در بلندمدت می‌تواند هم‌جهتی رشد شرکت با صنعت و توان رقابت شرکت را در بازارهای مختلف افزایش دهد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری تأثیر مثبت و معناداری بر کارایی تخصیص منابع دارد.
۲. راهبری شرکتی نقش تعدیل‌کننده بر رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی است. پژوهش کاربردی، تحقیقی است که با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به منظور بهبود و به‌کمال رساندن رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی انجام می‌شود. روش تحقیق از نظر ماهیت و محتوایی، مدل معادلات ساختاری است. از سوی دیگر، تحقیق از نوع پس‌رویدادی است؛ یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام گرفته است. داده‌های مورد نیاز به متغیرها از پایگاه داده‌های ره‌آورد نوین، مراجعه به وب‌سایت متعلق به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و از صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه، استخراج می‌شود. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل معادلات ساختاری استفاده می‌شود.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ است. نمونه آماری به روش غربالگری، به شرح نگاره ۱ انتخاب شد.

نگاره ۱. نمونه گیری نهایی

تعداد شرکت ها	مراحل انتخاب نمونه نهایی
۷۵۲	کل شرکت های موجود در بورس (به استناد ره آورد نوین) از سال ۹۰ الی ۹۸
(۲۹۷)	تعداد شرکت های فرا بورس ایران
(۶۰)	شرکت هایی که جزء بانک ها، بیمه ها، واسطه گری های مالی، شرکت های سرمایه گذاری، لیزینگ ها و هلدینگ ها هستند
(۲۰۷)	شرکت هایی که پایان سال مالی غیر از ۲۹ اسفند ماه است
(۸۵)	شرکت هایی که داده های ناقصی دارند
۱۰۳	نمونه نهایی

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری است که با توجه به تحقیقات انجام شده در مورد کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و معیارهای اندازه گیری آن (از جمله: بزرگری و همکاران، ۱۳۹۵؛ آقایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ تحریری و خوئینی، ۱۳۹۶؛ لاری و صاحبی، ۱۳۹۵؛ مولوی و امری، ۱۳۹۴) در این پژوهش برای اندازه گیری کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری از سه معیار «سرعت اعلام سود»، «صحت پیش بینی سود»، «عدم تجدید ارائه به خاطر اشتباه» استفاده می شود.

به پیروی از جنینگز و همکاران (۲۰۱۲)، سرعت اعلام سود برابر است با:

تعداد روزهایی که بین پایان سال مالی و تاریخ اعلام سود وجود دارد تقسیم بر ۳۶۵

به پیروی از دورانتس و همکاران (۲۰۱۳) دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت برابر است با:

تفاوت EPS تخمینی مدیر و EPS واقعی تقسیم بر قیمت سهام در پایان سال مالی و ضرب در ۱-.

برای اندازه‌گیری عدم تجدید ارائه به خاطر اشتباه، در صورتی که شرکت صورت‌های مالی سال جاری را به خاطر اشتباه غیر عمدی تجدید ارائه کند صفر و در غیر این صورت یک است.

متغیر وابسته

کارایی تخصیص منابع، متغیر وابسته این پژوهش است که برای اندازه‌گیری آن از دو معیار «همبستگی بین نرخ رشد سود عملیاتی شرکت و صنعت» و «همبستگی نرخ رشد فروش شرکت با صنعت»، بر اساس داده‌ها در بازه زمانی پژوهش استفاده می‌شود. همبستگی رشد سود عملیاتی شرکت با صنعت بر اساس مدل ارائه شده توسط فرانسیس و همکاران (۲۰۰۹)، از طریق محاسبه همبستگی رشد سود و زیان عملیاتی شرکت به رشد سود و زیان عملیاتی صنعتی که شرکت در آن وجود دارد، محاسبه می‌شود. (مطابق رابطه ۱) همبستگی بیشتر، بیانگر این است که سرمایه بیشتری صرف فعالیت اصلی می‌شود.

$$(1) GrowthOP - Firm_t = a_0 + a_1 GrowthOP - Indust_t + \varepsilon_0$$

$$\text{سود عملیاتی شرکت} = GrowthOP - Firm_t$$

$$\text{سود عملیاتی صنعت} = a_1 GrowthOP - Indust_t$$

$$GrowthSA - Firm_t = a_0 + a_1 GrowthSA - Indust_t + \varepsilon_0$$

$$\text{فروش شرکت} = GrowthSA - Firm_t$$

$$\text{فروش صنعت} = a_1 GrowthSA - Indust_t$$

متغير تعديل کننده

متغير تعديل کننده اين پژوهش راهبري شرکتي است. اين متغير را مي توان به دو گروه ويژگي هاي مالکيتي و ويژگي هاي هيئت مديره، قابل تفکيک است. معيارهاي استفاده شده براي ويژگي هاي مالکيتي در اين پژوهش شامل:

الف) درصد مالکيت نهادي: مجموع درصد سهامی است که در اختيار نهادها و سازمان های دولتي، غيردولتي و يا شرکتهاست.

ب) تمرکز مالکيت: مجموع درصد سهامی که در هر سال توسط سهامداران با مالکيت بيش از پنج درصد، نگهداري می شود.

معيارهاي استفاده شده براي ويژگي هاي هيئت مديره در اين پژوهش شامل:

الف) استقلال اعضاي هيئت مديره: نسبت تعداد اعضاي غيرموظف هيئت مديره به تعداد کل اعضاي هيئت مديره است. اعضاي غيرموظف هيئت مديره در واقع مديران غيراجرايي و مستقل هستند که عملکرد نظارتي آنها به عنوان افراي مستقل، به کاهش تضاد منافع بين سهامداران و مديران شرکته کمک بسياري می کند.

ب) دوگانگي وظيفه مديرعامل: مديرعامل، رئيس هيئت مديره باشد يا خير.

ج) تعداد اعضاي هيئت مديره.

د) عضويت مديرعامل در هيئت مديره.

يافته هاي پژوهش

آمار توصيفي

نگاره ۲ نتايج آمار توصيفي متغيرهاي کمي و نگاره ۳ نتايج آمار توصيفي متغيرهاي

کيفي پژوهش را نشان می دهد.

نگاره ۲. شاخص‌های توصیفی سازه‌های کتی

سازه	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
سرعت اعلام سود	۹۸/۲۱	۱۰۲	۲۶	۱۷۳	۰/۵۹۵
دقت پیش‌بینی سود	-۰/۱۷۸	-۰/۰۶۰	-۲/۲۴۸	۰/۰۰۰	۰/۳۵۳
درصد مالکیت نهادی	۰/۶۴۰	۰/۶۸۵	۰/۰۵۶	۰/۹۲۳	۰/۲
تمرکز مالکیت	۰/۵۴۲	۰/۶۳۹	۰	۰/۹۴۴	۰/۳۰۳
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۶۷۵	۰/۷۱۴	۰	۱	۰/۲۰۵
همبستگی نرخ رشد سود عملیاتی شرکت و صنعت	۰/۲۵۹	۰/۲۵۹	۰/۲۵۴	۰/۲۶۴	۰/۰۰۳
همبستگی نرخ رشد فروش شرکت و صنعت	۰/۴۶۸	۰/۴۶۸	۰/۴۶۳	۰/۴۷۳	۰/۰۰۳

نتایج آمار توصیفی سرعت اعلام سود نشان می‌دهد به‌طور میانگین شرکت‌های نمونه بعد از ۹۸ روز از پایان سال مالی اطلاعات صورت‌های مالی را ارائه می‌کنند. زودترین زمانی که شرکت‌ها اطلاعات صورت‌های مالی را ارائه کردند، ۲۶ روز پس از پایان سال و دیرترین زمان، ۱۷۳ روز پس از پایان سال مالی بوده است. بررسی ساختار مالکیت شرکت‌های نمونه نشان می‌دهد به‌طور متوسط ۶۴ درصد مالکان شرکت، سرمایه‌گذاران نهادی هستند و به‌طور میانگین ۵۴ درصد از سرمایه شرکت در اختیار سهامداران بزرگ (بالای ۵٪) است. همچنین، به‌طور متوسط همبستگی نرخ رشد سود عملیاتی شرکت و صنعت (یکی از معیارهای کارایی تخصیص منابع) ۰/۲۵۹ و همبستگی نرخ رشد فروش شرکت و صنعت (یکی دیگر از معیارهای کارایی تخصیص منابع) ۰/۴۶۸ است.

نگاره ۳. شاخص‌های توصیفی سازه‌های مجازی

سازه	ارزش	فراوانی	درصد فراوانی	مد
عدم تجدیدارائه به‌خاطر اشتباه	۰	۲۵۸	۲۸/۱٪	۱
	۱	۶۶۰	۷۱/۹٪	

مد	درصد فراواني	فراواني	ارزش	سازه
۰	۹۸/۳%	۹۰۲	۰	دوگانگي وظيفه مديرعامل
	۱/۷%	۱۶	۱	
۱	۱۲/۳%	۱۱۳	۰	عضويت مديرعامل در هيئت مديره
	۸۷/۱%	۸۰۰	۱	

با توجه به نگاه ۲، ۷۱/۹ درصد شرکت‌ها غالباً صورت‌های مالی را به سبب اشتباه غیرعمد، تجدید نمی‌کنند. با توجه به اینکه آماره مد بیانگر ارزشی است که بیشترین فراواني را در نمونه دارد، پس این آماره هم بیانگر این است که شرکت‌ها غالباً صورت‌های مالی را به سبب اشتباه غیرعمد، تجدید نمی‌کنند. همچنین در ۹۸/۳ درصد شرکت‌ها، مدیر عامل رئیس هیئت مدیره نیست و در ۸۷/۱ درصد، مدیران عامل عضو هیئت مدیره می‌باشند.

پايایي و روايي سنجي داده‌ها

در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، ابتدا لازم است تا پایایی سازه مورد مطالعه قرار گیرد. نگاه ۴، بار عاملی متغیرها را نشان می‌دهد. چنان‌که مشخص است، همگی دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۵ می‌باشند و گویه‌ها به خوبی داده‌ها را می‌سنجند.

نگاره ۴. نتایج نهایی تحلیل عاملی

آماره f	بار عاملی	متغیرهای مورد بررسی		
۱۲/۳۱۶	۰,۸۳۲	سرعت اعلام سود		
۹/۳۶۸	۰,۸۶۴	دقت پیش‌بینی سود		
۲۳/۸۴۰	۰,۹۱۲	عدم تجدید ارائه به خاطر اشتباه		
۲۴/۴۶۱	۰,۸۸۸	درصد مالکیت نهادی	ویژگی‌های مالکیتی	
۳۱/۹۷۰	۰,۹۰۶	تمرکز مالکیت		
				ساز و کار راهبري شرکتي

آماره f	بار عاملی	متغیرهای مورد بررسی		
۴۰/۵۳۹	۰,۹۰۵	استقلال هیئت مدیره	ویژگی‌های هیئت مدیره	
۴/۰۳۰	۰,۵۰۹	عضویت مدیرعامل در هیئت مدیره		
۱۷/۲۳۵	۰,۸۱۳	دوگانگی وظیفه مدیرعامل		
۳۶/۲۸۳	۰,۹۱۱	کارایی تخصیص منابع		
۴۲/۷۹۹	۰,۹۱۹			

در پژوهش حاضر، پایایی متغیرها با استفاده از آزمون‌های پایایی درونی (آلفای کرونباخ) و پایایی ترکیبی (ضریب دیلون - گلداشتاین) و برای بررسی روایی از روایی همگرا (متوسط واریانس استخراج شده) و روایی واگرا (ماتریس فورنل - لارکر) استفاده می‌شود. پایایی درونی نشانگر میزان همبستگی بین یک سازه و شاخص‌های مربوط به آن است. مقدار بالای واریانس تبیین شده بین سازه و شاخص‌هایش در مقابل خطای اندازه‌گیری مربوط به هر شاخص، پایداری درونی بالا را نتیجه می‌دهد. معیار قابل قبول برای آلفای کرونباخ که نشان‌دهنده پایایی مدل اندازه‌گیری خواهد بود، حداقل مقدار ۰/۷ است. در روش‌شناسی مدل معادلات ساختاری، ضریب پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷ برای هر سازه، نشان‌دهنده پایایی مناسب آن است. با مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE^۱) می‌توان اعتبار درونی مدل اندازه‌گیری را بررسی کرد. نکته قابل توجه این است که در صورتی که معیار میانگین واریانس استخراج شده برای یک متغیر پایین‌تر از ۰/۵ بود، باید سؤالی را که کمترین بار عاملی را دارد، حذف و دوباره مدل را

1. Average Variance Extracted

اجرا کرد. معيار مهمي که با روايي واگرا مشخص مي شود، ميزان رابطه سازه با شاخص هائيش در مقايسه رابطه آن سازه با ساير سازه هاست؛ به گونه اي که روايي واگراي قابل قبول يک مدل حاکی از آن است که يک سازه تعامل بيشتري با شاخص هاي خود دارد تا با سازه هاي ديگر. روايي واگرا وقتي در سطح قابل قبول است که ميزان AVE براي هر سازه بيشتراز واريانس اشتراکي آن سازه و سازه هاي ديگر (مربع مقدار ضرايب همبستگي بين سازه ها) در مدل باشد. بررسي اين امر به وسيله يک ماتريس صورت مي پذيرد که خانه هاي اين ماتريس حاوي مقادير ضرايب همبستگي بين سازه ها و جذر مقادير AVE مربوط به هر سازه است. اين مدل در صورتي روايي واگراي قابل قبولي دارد که اعداد مندرج در قطر اصلي از مقادير زيرين خود بيشتتر باشند (داوري و رضازاده، ۱۳۹۲).

نگاره ۵. نتايج آزمون آلفاي کرونباخ و ضريب ديلون - گلداشتاين و متوسط واريانس استخراج شده

متغير	آلفاي کرونباخ	ضريب ديلون- گلداشتاين	متوسط واريانس استخراج شده
ساز و کار راهبري شرکتي	۰/۹۴۷	۰/۹۵۴	۰/۵۴۹
ويژگي هاي مالکيتي	۰/۷۵۹	۰/۸۹۲	۰/۸۰۵
ويژگي هاي هيئت مديره	۰/۷۳۶	۰/۷۳۵	۰/۵۸۰
کارايي تخصيص منابع	۰/۸۰۷	۰/۹۱۲	۰/۸۳۸
کيفيت اطلاعات داخلي حسابداري	۰/۸۴۱	۰/۹۰۳	۰/۷۵۷

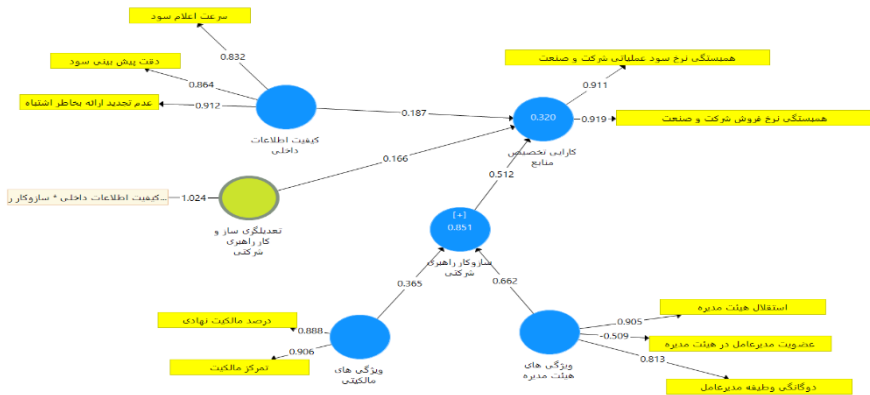
نتايج اين آزمون ها در نگاره هاي ۵ و ۶ نشان داده شده است و با توجه به نتايج مدل اندازه گيري اين پژوهش، از اعتبار لازم برخوردار است.

نگاره ۶. ماتریس فورنل - لاکر متغیرها

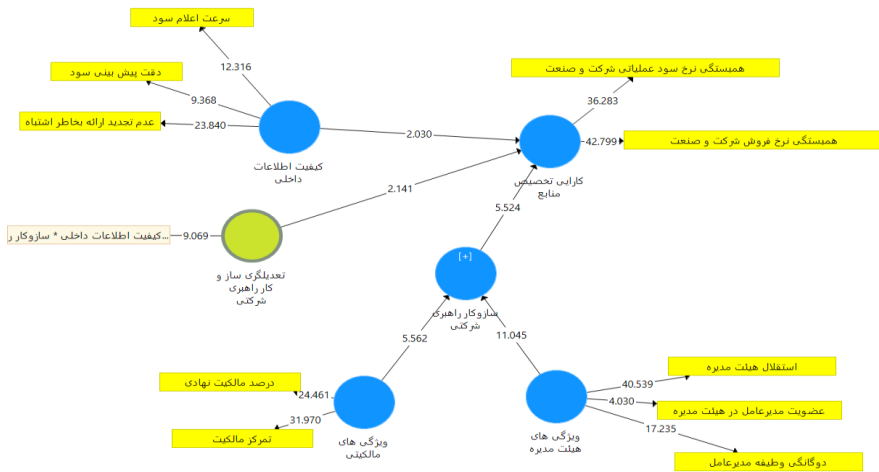
متغیرها	سازوکار راهبری شرکتی	ویژگی‌های مالکیتی	ویژگی‌های هیئت مدیره	کارایی تخصیص منابع	کیفیت اطلاعات داخلی
سازوکار راهبری شرکتی	۰/۹۴۱				
ویژگی‌های مالکیتی	۰/۷۴۸	۰/۸۹۷			
ویژگی‌های هیئت مدیره	۰/۸۷۳	۰/۵۸۰	۰/۷۶۱		
کارایی تخصیص منابع	۰/۵۰۲	۰/۲۷۰	۰/۳۷۴	۰/۹۱۵	
کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری	۰/۲۵۲	۰/۱۸۰	۰/۱۵۹	۰/۳۲۸	۰/۸۷۰

برازش مدل ساختاری

نمودار ۱، نمودار ۲ و نگاره ۷ خلاصه نتایج حاصل از تحلیل PLS را برای آزمون مدل ساختاری به ویژه ضریب مسیر استاندارد شده (β) و T آماری را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. مدل آزمون شده پژوهش (ضرایب مسیر)



نمودار ۲. مدل آزمون شده پژوهش (مقادير t)

نگاره ۷. مقادير ضرايب مسير و t

فرضيه	متغير مستقل	متغير وابسته	ضريب مسير (Beta)	مقادير T	معناداري
۱	کيفيت اطلاعات داخلي حسابداري	کارايي تخصيص منابع	۰/۱۸۷	۲/۰۳۰	۰/۰۴۳
		کارايي تخصيص منابع	۰/۵۱۲	۵/۵۲۴	۰/۰۰۰
۲	تعديليگري سازوکار راهبري شرکتي	کارايي تخصيص منابع	۰/۱۶۶	۲/۱۴۱	۰/۰۳۳

مطابق با نگاره ۷، با توجه به اينکه ضريب مسير براي رابطه بين کيفيت اطلاعات داخلي و کارايي تخصيص منابع مقدار ۰/۱۸۷ و علامت آن مثبت است، همچنين مقدار T مربوط به اين رابطه بزرگتر از ۱/۹۶ است، مي توان نتيجه گرفت که فرضيه اول رد نمي شود. به عبارتي، مي توان عنوان کرد کيفيت اطلاعات داخلي تاثير معناداري بر کارايي تخصيص منابع دارد. همچنين، با توجه به اينکه ضريب مسير براي رابطه بين

نقش تعدیل‌کننده سازوکار راهبری شرکتی و کارایی تخصیص منابع مقدار ۰/۱۶۶ و علامت آن مثبت است و مقدار T مربوط به این رابطه بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم رد نمی‌شود. به عبارتی، می‌توان عنوان کرد سازوکار راهبری شرکتی نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی و کارایی تخصیص منابع دارد.

بررسی شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری در نگاه ۸ درج شده است. R^2 نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات متغیر درون‌زا توسط متغیر برون‌زا صورت می‌پذیرد. این شاخص معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و معیار اساسی ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زای مدل مسیر است. هر چه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برآورد بهتر مدل است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی بودن برآورد بخش ساختاری مدل به وسیله معیار R^2 در نظر گرفته شده است. معیار اندازه شدت رابطه میان سازه‌های مدل را تعیین می‌کند. این معیار میزان اندازه اثر یک متغیر برون‌زا را بر روی یک متغیر درون‌زا در مدل معادلات ساختاری اندازه‌گیری می‌کند. کوهن برای آن معیار به ترتیب سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ برای بررسی اثر ضعیف، متوسط و قوی بیان کرد. ارتباط پیش‌بین، شاخصی دیگر در ارزیابی مدل ساختاری و کیفیت آن است. این معیار قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. مقادیر Q2 بالای صفر نشان می‌دهند که مقادیر مشاهده شده خوب بازسازی شده‌اند و مدل توانایی پیش‌بینی دارد؛ سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ برای نشان دادن قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوط به آن تعریف شده است. یک معیار مناسب برای سنجش برآورد بخش ساختاری مدل‌های معادلات ساختاری، مقدار میانگین Redundancy مربوط به

سازه‌های برون‌زا در یک مدل است. هر چه مقدار آن بیشتر باشد، نشان از برآورد مناسب‌تر بخش ساختاری مدل در پژوهش دارد. با توجه به مقدار به دست آمده که در حدود ۰٫۴ می‌باشد می‌توان گفت که بخش ساختاری مدل به خوبی برآورد شده است. شاخص نیکویی برازش GOF هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را مدنظر قرار می‌دهد و به عنوان معیاری برای عملکرد کلی مدل به کار می‌رود. حدود این شاخص بین صفر و یک بوده و سه مقدار ۰٫۲۵، ۰٫۳۶، ۰٫۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). برای این مدل مقدار شاخص نیکویی برآورد حدوداً ۰٫۶۴ شده است و نشان از برآورد مناسب مدل دارد. به بیان ساده‌تر، داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری پژوهش برآورد مناسبی دارد و این بیانگر همسویی پرسش‌ها با سازه‌های نظری است.

نگاره ۸. شاخصهای نیکویی برازش

GOF	R2 تعدیل شده	Redundancy	Q2	متغیر
۰٫۶۴	۰٫۸۵۱	۰٫۴۶۷۱۹۹	۰٫۴۲۸	ساز و کار راهبري شرکتي
	۰٫۲۹۸	۰٫۲۶۸۱۶	۰٫۴۳۹	کارايي تخصیص منابع

بحث و نتیجه‌گیری

شرکت‌ها برای کسب بازده و ایجاد ارزش برای سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذاری‌های مختلفی انجام می‌دهند و با فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی روبه‌رو می‌شوند که نیازمند تصمیم‌گیری منطقی برای رسیدن به یک سرمایه‌گذاری بهینه هستند. برای تصمیم‌گیری منطقی و در نتیجه سرمایه‌گذاری کارا، اطلاعات با کیفیت مورد نیاز است. همچنین، اجرای نظام راهبري شرکتي بر پاسخگویی شرکت‌ها در مقابل ذینفعان و بهبود کیفیت و شفافیت اطلاعات حسابداری تأکید دارد و باعث تخصیص بهینه منابع و به‌کاربردن منابع در جهت عملیات اصلی شرکت می‌شود. در این پژوهش، به تأثیر کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری بر کارایی تخصیص منابع پرداخته شده است و در

ادامه، نقش تعدیل‌کننده سازوکار راهبری شرکتی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع بررسی شده است. از آنجا که نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری تأثیر معناداری بر کارایی تخصیص منابع دارد، می‌توان نتیجه گرفت که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا می‌تواند مدیریت را برای بهبود انتخاب سرمایه‌گذاری‌ها در عملیات اصلی هدایت کند. این یافته احتمالاً شواهد تجربی مناسبی برای تأیید این نکته نظری فراهم می‌آورد که کیفیت اطلاعات حسابداری با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران، همچنین با کاهش هزینه‌های نمایندگی و در نتیجه با کاهش هزینه‌های نظارت، موجب بهبود انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری و افزایش کارایی سرمایه‌گذاری خواهد شد. نتایج این فرضیه با نتایج جینگ جان و ویلی (۲۰۲۲)، چو (۲۰۲۱)، الود و همکاران (۲۰۱۷)، ژای و وانگ (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۵)، بیدل و همکاران (۲۰۰۹)، مک نیکولز و استابن (۲۰۰۸)، دهقان و همکاران (۱۴۰۱)، حمزه نیک نیافر و همکاران (۱۳۹۹)، باقرزادگان و همکاران (۱۳۹۸) و نادری و همکاران (۱۳۹۷) همراستاست.

طبق نتایج فرضیه دوم، سازوکار راهبری شرکتی نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری و کارایی تخصیص منابع دارد. بنابراین، می‌توان این‌گونه اظهار نظر کرد که با کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری، تصمیم‌گیرندگان فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری با تصور اینکه اطلاعات گزارش شده دارای بار و محتوای قابل اتکاست، دوباره اقدام به سرمایه‌گذاری محوری، سرمایه‌گذاری در عملیات اصلی شرکت به صورت مخارج سرمایه‌ای و دارایی‌های بلندمدت جهت دستیابی به سود بیشتر نموده‌اند و این فرایند در حقیقت باعث عدم تخصیص بهینه منابع گردیده است. در این صورت، این تصمیم و عدم تخصیص بهینه منابع در دوره‌های زمانی، موجب کاهش رشد سود عملیاتی شرکت نسبت به صنعت مربوط

می شود و از سوی دیگر می تواند با تأثیر بر تابع قیمت گذاری سهام در بورس، موجب کاهش ارزش سهام گردد. نتایج تجربی نشان می دهد کیفیت بالاتر اطلاعات حسابداری موجب افزایش همبستگی و همزمانی رشد سود عملیاتی، بین شرکت ها و صنعت است. علاوه بر این، بررسی ها نشان می دهد افزایش سازوکار راهبري شرکتي موجب بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری و انتخاب بهینه از بین گزینه های سرمایه گذاری در کسب و کار محوری می شود و این در حالی است که ضعف راهبري شرکتي، موجب کاسته شدن کیفیت اطلاعات حسابداری می شود. این نتایج نشان می دهند که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا می تواند نظارت بر مدیریت را افزایش و فشار بر مدیریت برای بهینه سازی انتخاب سرمایه گذاری و در نهایت علاقه سهامداران را افزایش دهد. نتایج بیانگر آن است که برخی مؤلفه های راهبري شرکتي مانند تمرکز مالکیت با تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و انتخاب گزینه های سرمایه گذاری در عملیات اصلی، تأثیر مثبت و معناداری دارند. در واقع، افزایش تمرکز مالکیت با استفاده از مکانیزم های نظارتی، می تواند با کنترل اقدام های مدیران بر عملکرد سرمایه گذاری های محوری شرکت تأثیرگذار باشند و موجب افزایش سرمایه گذاری های محوری شوند. شایان ذکر است، طبق مبانی نظری پژوهش تمرکز مالکیت به صورت افزایش سهامداران نهادی (یا اینکه هرچه سهم بیشتری از مالکیت در اختیار تعداد کمتری از مالکان باشد) سهامداران از قدرت کنترل بالاتری برخوردار بوده و می توانند مانع افزایش هزینه های نمایندگی توسط مدیران شوند که در نتیجه تصمیمات نادرست آن ها بروز می کند. بنابراین، با افزایش تمرکز مالکیت می توان انتظار داشت که اطلاعات حسابداری نقش مهم خود را برای ایجاد تمایل در شرکت ها جهت تمرکز در کسب و کار محوری خود، بهینه سازی انتخاب های سرمایه گذاری شرکت و در نهایت افزایش در کارایی تخصیص منابع داشته باشد. نتایج این فرضیه با نتایج این پژوهش های جینگ جان و ویلی (۲۰۲۲)، الود و همکاران (۲۰۱۷)، ژای و وانگ (۲۰۱۶)، بیدل و همکاران (۲۰۰۹)، دهقان و

همکاران (۱۴۰۱)، آریین پور و مرادی (۱۴۰۰)، حسینی و جلائی (۱۴۰۰)، باقرزادگان و همکاران (۱۳۹۸) و نادری و همکاران (۱۳۹۷) همراستاست.

با توجه به نتیجه‌آزمون فرضیه اول، پژوهش حاضر از آنجاکه کیفیت بالای اطلاعات حسابداری با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران و پیامدهای نامطلوب آن، احتمال عدم سرمایه‌گذاری در عملیات اصلی شرکت را کاهش می‌دهد، پیشنهاد می‌شود وضع‌کنندگان قوانین و مقررات یک محیط اطلاعاتی شفاف و قابل اطمینان به منظور ایفای نقش مؤثر اطلاعات حسابداری ایجاد کنند. برخی از نواقص بازارهای سرمایه مانند عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت پایین اطلاعات حسابداری، می‌تواند به عدم کارایی سرمایه‌گذاری منتهی شود.

با توجه به نتیجه‌آزمون فرضیه دوم پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود کیفیت اطلاعات داخلی حسابداری به عنوان یکی از عواملی که توان رقابت رقابتی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد، در ارزیابی عملکرد و ترسیم انتظارات آتی مورد توجه قرار گیرد. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود نهادهای نظارتی محیط شفاف و قابل اطمینانی برای اطلاعات فراهم سازند تا اطلاعات حسابداری بتواند نقش مؤثرتری را برای وادار ساختن شرکت‌ها به تمرکز بر روی کسب و کار کلیدی خود، بهینه‌سازی انتخاب‌های سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و افزایش کارایی تخصیص منابع ایفا کند. همچنین، به شرکت‌ها و قانون‌گذاران پیشنهاد می‌شود سازوکارهای مناسب برای نظارت لازم و کافی بر تصمیم‌گیری‌های مدیران و زمینه‌های ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری ایجاد شود که از این طریق بسترهای لازم برای پایش دقیق‌تر رفتارهای مدیران و افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری به وجود آید، زیرا این موضوع به احتمال زیاد موجب به کارگیری سرمایه در عملیات اصلی شرکت می‌شود و از پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری خارج از عملیات شرکت جلوگیری می‌کند. همچنین، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان نهادی نظارتی در بازار سرمایه ایران از طریق نظارت بیشتر بر کیفیت و نه تنها

کميت و ارائه به موقع گزارش های مالی تهيه شده توسط شرکت های فعال در بازار و همچنين روابط نمايندگي حاکم در اين شرکت ها، آن ها را به ارائه اطلاعاتي دقيق، واقعي و با کيفيت ملزم نمايد. سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی نیز به عنوان نهاد نظارتي قدرتمند ديگر اين بازار، بايد از طريق افزايش کيفيت حسابرس گزارش های مالی، کيفيت اين گزارش ها را برای گروه های استفاده کننده افزايش داده، وظيفه خود برای اعتباردهی به اين گزارش ها را به بهترين شکل انجام دهند تا عملاً توجه اين گروه های فعال در بازار را از اتکای صرف بر کميت اقلام مندرج در گزارش های مالی تغيير دهند.

از آنجا که کيفيت اطلاعات داخلي حسابداری در جامعه ای با اقتصاد دولتي نقش پررنگ تری در تصميمات سرمايه گذاری ایفا می کند، تدوين کنندگان استانداردهای حسابداری در تدوين استانداردها و رهنمودهای لازم بايد برای اجرای آن به اين مهم توجه لازم و کافي داشته باشند. به سرمايه گذاران، تحليلگران و ساير استفاده کنندگان از صورت های مالی پیشنهاد می شود در بررسی ها و تحليل های خود درباره عملکرد سرمايه گذاری و مدیریت منابع شرکت ها، از نتايج پژوهش حاضر استفاده کنند.

پژوهشگران برای اندازه گيري متغيرهای پژوهش، روش های مختلفی را پیشنهاد کرده اند که می تواند بر نتايج تحقيق مؤثر باشد. در اين پژوهش، سعی شده است از روش هایی که بيشترين روايي را دارد، استفاده شود. به هر حال، اعتبار دروني روش های اندازه گيري متغيرها محدوديت های پژوهش شمرده می شود. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود در تحقيقات آتی از ساير معيارها همچون همبستگی نرخ رشد سرمايه گذاری های بلندمدت شرکت با صنعت و معيار همبستگی نرخ رشد منابع بلندمدت شرکت با صنعت برای اندازه گيري کارايي تخصيص منابع و از ساير متغيرهای کيفيت سود و همچنين از روش های مختلف رتبه بندي برای ايجاد و اندازه گيري کيفيت اطلاعات حسابداری استفاده کنند.

منابع

- آرین پور، آرش و مرادی، مریم (۱۴۰۰). «تأثیر ساختار مالکیت، ویژگی‌های هیات مدیره و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود»، حسابداری، حسابرسی و تأمین مالی در محیط‌های اسلامی، (۱)، ۳۰-۶۲.
- باقرزادگان، رضا و خان محمدی، محمدحامد (۱۳۹۸). «بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و حاکمیت شرکتی با سرمایه‌گذاری در عملیات اصلی شرکت»، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۱۲(۴۰).
- بالایی، مهدی علی و ایزدی‌نیا، ناصر (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- حساس یگانه، یحیی و حسنی القار، مسعود (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار». پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳(۳)، صص ۲۵-۵۴.
- حمزه نیک نیافر، مسعود؛ افلاطونی، عباس و نیکبخت، زهرا (۱۳۹۹). «تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء بر به کارگیری منابع مالی در هسته اصلی فعالیت تجاری شرکت‌ها»، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰(۱)، صص ۹۷-۱۱۴.
- حسینی، سیداحسان و جلائی، معصومه (۱۴۰۰). «بررسی نقش تعدیلگری کیفیت حسابرسی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ناکارایی سرمایه‌گذاری»، حسابداری، حسابرسی و تأمین مالی در محیط‌های اسلامی، (۱)، ۱۲۲-۹۵.
- داوری علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۲). «مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS تهران: جهاد دانشگاهی»، سازمان انتشارات.
- دهقان، فاطمه؛ پورحیدری، امید و خدای پور، احمد (۱۴۰۱). «تأثیر کیفیت پیش‌بینی مدیریت بر کارایی سرمایه‌گذاری با در نظر گرفتن نقش ساختار مالکیت»، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۳۵)، ۵۱-۷۶.
- صفری گرایلی، مهدی و رعنائی، فاطمه (۱۳۹۴). «رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی با کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و همچنین اثر ساختار سررسید بدهی‌ها بر این رابطه». مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۱(۱۶)، صص ۸۳-۹۸.
- کامیابی، یحیی و حسینی، سیده فاطمه (۱۳۹۴). «مطالعه رابطه بین کنترل راهبری شرکت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، حسابداری و منافع اجتماعی، ۵(۳)، صص ۱-۱۵.
- نادری، سعید؛ حیدرپور، فرزانه و یعقوب‌نژاد، احمد (۱۳۹۷). «رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و همبستگی نرخ رشد شرکت با صنعت»، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰(۳۹)، صص ۱۹۱-۲۱۸.

Biddle, G., Hilary, G., Verdi, R. (2009). How does financial reporting quality relate to investment efficiency. *J. Account. Econ.* 48, 112-131.

Bolton, P., Von Thaa, E. (1998). Block liquidity and Corporate Control. *Journal of Finance.* 53, 1-25.

- Brazel, J.F., Dang, L. (2008). The effect of ERP system Implementations on the Management of Earnings and Earnings Release Dates. *Journal of Information Systems*, 22(2), 1-21.
- Bushman. R., Smith, A. (2003). Tansparency, financial accounting information and corpotate governance, *FRBNY Econ. Policy Rev.* 9, 65-87.
- Chen, A., Kao, L., Tsao, M. & Wu. C.(2007). Bulding a corporate governance index from the perspectives of ownership and leadership for firms in Taiwan Corporate Governance: *An International Review*, Vol. 15, Pp. 61-251.
- Choi, J. H. (2021). Accrual accounting and resource allocation: A general equilibrium analysis. *Journal of Accounting Research*, 59(4), 1179-1219.
- Davenport, T.H. (2009). The Future Of Enterprise System-enabled Organizations. *Information Systemms Frontiers*, 2(2), 163-180.
- Easley, D., O'Hara, M. (2004). Information and the cost of capital. *Journal of Fianance*. 59, 1553-1583.
- Elaoud, A., Jarboui, A. (2017). Auditor specialization, accounting information quality and investment efficiency. *Research in International Business and Finance*. [Http://dx.doi.org/10.1016/j.ribaf.201707.006](http://dx.doi.org/10.1016/j.ribaf.201707.006).
- Fung, S., Shin-Chuan, T. (2012). Institutional owership and corporate investment performance, *Canadian Journal of Aministrative Science*, 29(4).
- Jensen, M. (1986). Agency Costs Of Free Cash Flow, Corporate Finance, and take overs. *American Economic Review*, 76, 323-329.
- McNichols, M.F., Stubben, S:R. (2008). Does Earning Management Affect Firms Investment Decisions, *The Accounting Review*, 83(6), 1571-1603.
- Myers, S.c., Majluf, N. (1984). Corpotate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *J.Financial Econ.* 13, 187-221.
- Nguyen,T, Bai, M, Hou, Y & Vu, M,C. (2021). Corporate governance and dynamics capital structure: evidence from Vietnam. *Global Finance Journal*, 48: 1-50
- Phomlaphatrachakom, K. (2020). Accounting Control System, Accounting Information Quality, Value Creation, and Firm Success: An Empirical Investigation of Auto Parts Businesses in Thailand. *International Journal of Business*, 25(2): 159-177.
- Verdi, R. (2006). Financial Reporting Quality and Investement Efficiency. Unpublished phd Dissertation , Faculties of the university of Pennsylvania in partial Fulfillment, or working paper.
- Wang, J and Xia, W.(2022). Relationship between Capital Allocation Efficiency and Diversification Strategy from the Perspective of Internal Control, *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 1-14.
- Yang, J., and Jiang, Y. (2008). “Accounting Information Quality, free cash flow and over investment: A Chnese Study”, *The Business Review*, 11(1): 159-166.
- Zeng, Y., Lu, Z. (2006). The relationship between disclosure quality and cost of equity capital of listed companies in china. *J. Econ. Res. China* 2, 69.
- Zhai, J., Wang, Y.(2016). Accounting information quality, governance efficiency and capital investment choice, *China Journal of Accounting Reasearch*, 9(2016),251-266.